





مؤسسه پژوهشی و نوآوری افغانستان

نامه بایسنغر

(سال نامه علمی - پژوهشی)

صاحب امتیاز: مؤسسه پژوهشی بایسنغر

مدیر مسئول و سردبیر: دکتر خلیل الله افضلی

مدیر داخلی: مسعود امینی

دستیار سردبیر: سیندخت تمنا

پوشه و برگ آرا: حسین علی ابراهیمی

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲ خورشیدی

شمارگان: ۵۰۰ جلد

رویه نامه: عبارت دعایی «هرات صانها الله عن الآفات و النکبات» و نظایر آن نوشته کاتبان گوناگون

نشانی پخش:

■ افغانستان، هرات، شهر نو، ضلع شمالی ارگ، پلاک ۱، ساختمان باغ شهر، مؤسسه پژوهشی بایسنغر

شماره های تماس: ۰۰۹۳۷۹۹۸۳۵۱۹۲ | ۰۰۱۴۲۴۵۰۲۹۳۲۱



شماره سوم نامه بایسنغر با حمایت مالی آژانس کمک و همکاری جمهوری ترکیه (تیکا) در هرات منتشر شده است.



مؤسسہ پژوهشی بایسنغر

نامهٔ بایسنغر

(سال نامهٔ علمی - پژوهشی)

(۳)

۱۴۰۲ خورشیدی

این شماره از مجله در پایگاه اینترنتی مؤسسہ پژوهشی بایسنغر به نشانی زیر قابل دسترس است:

WWW.BAYSUNGHUR.ORG

راه‌نمای نگارش مقاله

۱. مقاله باید حاصل پژوهش علمی نویسنده/نویسندگان دربارهٔ زبان و ادبیات فارسی و تاریخ خراسان کهن با تأکید بر پژوهش‌های مربوط به هرات باشد و در هیچ مجله یا مجموعه‌ای به چاپ نرسیده یا برای آن‌ها ارسال نشده باشد.
۲. مقاله به ترتیب باید شامل چکیده (۵ تا ۸ سطر) کلیدواژه‌ها (حداکثر ۵ واژه)، مقدمه (پرسش تحقیق، پیشینهٔ تحقیق، روش و منابع)، بحث و بررسی و نتیجه باشد و از ۱۵ صفحهٔ A۴، ۲۵ سطری تجاوز نکند.
۳. ارسال چکیدهٔ انگلیسی در صفحه‌ای جداگانه همراه با مشخصات نویسنده یا نویسندگان الزامی است.
۴. منابع مورد استفاده در پایان مقاله و براساس ترتیب الفبایی نام خانوادگی نویسنده به شرح زیر آورده شود:
کتاب: نام خانوادگی، نام، (تاریخ انتشار)، عنوان مقاله (داخل (۱))، نام نشریه، دوره/سال، شماره، شمارهٔ صفحات مقاله.
مجموعه‌ها: نام خانوادگی، نام، (تاریخ انتشار)، عنوان مقاله (داخل (۱))، نام ویراستار یا گردآورنده، نام مجموعه مقالات، محل نشر: نام ناشر، شمارهٔ صفحات مقاله.
سایت‌های اینترنتی: نام خانوادگی، نام نویسنده، تاریخ استفاده از سایت اینترنتی (داخل [])، عنوان موضوع (داخل (۱))، نشانی سایت اینترنتی.
۵. ارجاعات در متن مقاله به صورت پانویس (نام خانوادگی، نام، نام کتاب یا مقاله، تاریخ انتشار، شمارهٔ صفحه) نوشته شود.
۶. نقل قول‌های مستقیم بیش از ۵ سطر در صورت جدا از متن با فرورفتگی (نیم سانتیمتر) از دو طرف درج شود.
۷. توضیحات تکمیلی و معرفی منابع بیشتر در پیوند به موضوعات مختلف، در

یادداشت‌های مقاله ارائه شود.
۸. مقاله بر اساس شیوه‌نامه مؤسسه پژوهشی بایسنگرکه در وب‌سایت مؤسسه قابل دسترس است، تنظیم شود. در صورت لزوم، مجله در ویرایش ادبی مقالات بدون تغییر محتوای آن آزاد است.

فهرست

- راه‌نمای نگارش مقاله ۵
- سرنامه ۱۱
- بخش نخست؛ جست‌وجو** ۱۷
- پیوند داستان سرایی عامه و مذهب عامیانه: بررسی نقش بی‌بی سستی در ابومسلم‌نامه ۱۹
دکتر آمنه ابراهیمی
- معروف بغدادی و نخستین فعالیت‌های کارگاه بایسنغر میرزا ۳۹
دکتر شیوا میهن
- محزّر مجالس العشّاق؛ سلطان حسین بایقرا ۸۳
دکتر مهدی بیلاقی
- آئینه‌شاهی؛ واکاوی اندیشه مولانا حسین واعظ کاشفی در تکوین مکتب سیاسی هرات ۱۱۱
دکتر داوود عرفان
- آگاهی‌های تازه درباره‌ی امیر جمال الدین عطاء الحسینی ۱۳۳
دکتر خلیل‌الله افضلی
- مقایسه‌ی افسانه‌ها و حکایت‌های مقدمه‌ی شاهنامه‌ی بایسنگری با روایت‌های شفاهی ۱۷۳
دکتر محمد جعفری قنواتی
- پژوهشی در آب‌انبارهای محله‌ی قضاّت در شهر کهنه‌ی هرات ۱۸۵
غلام‌محمد عاصم و دکتر تتسویا اندو | برگردان از انگلیسی: طه آور
- جعفر بایسنگری؛ حیات، هنر و شیوه ۲۰۹
سید امیر منصوری
- اولنگ‌اولنگ، ترانه‌ی مراسم عروسی مردم هرات ۲۴۷
دکتر اسدالله شعور



- آرامگاه محمد غازی در فوشنج ۲۸۱
 دکتر برنارد اوکین | برگردان از انگلیسی: سیندخت تمنا
- تکمله‌ای بر مقاله «آرامگاه محمد غازی در فوشنج» و آخرین مرمت این بنا ۳۱۵
 سیندخت تمنا
- بخش دوم؛ هرات‌شناسی** ۳۲۷
- تذکره الصالحین یا حصه سوم رساله مزارات هرات ۳۲۹
 دکتر محمد شعیب مجددی
- مقامات مولانا کلان زیارتگاهی ۳۴۹
 دکتر عارف نوشاهی
- دو فرمان سلطان حسین بایقرا در آرشیو ملی افغانستان در کابل ۳۷۷
 دکتر شیوان ماهندرا راجا | برگردان از انگلیسی: معصومه نظری
- نگاهی به کتاب مروارید خراسان؛ تاریخ هرات ۴۰۱
 رادک سیکورسکی | برگردان از انگلیسی: دکتر سید رضا کاظمی
- نگاهی به کتاب مروارید خراسان؛ تاریخ هرات ۴۰۹
 دکتر کریستینا نوله کریمی | برگردان از انگلیسی: دکتر سید رضا کاظمی
- نگاهی به کتاب تاریخ هرات از چنگیزخان تا امیر تیمور ۴۱۳
 دکتر شیوان ماهندرا راجا | برگردان از انگلیسی: سید وهاب فروغ طبیبی
- بازتاب اندیشه‌های جامی در آثار منطقه ۴۲۳
 دکتر محمد افضلی
- معرفی کتاب قدرت، سیاست و مذهب در ایران عهد تیموری ۴۳۵
 دکتر داوود عرفان
- مرواریدی در هرات ۴۴۳
 دکتر اسراء السادات احمدی
- کتابخانه‌های آبدان مسجد جامع هرات ۴۵۱
 دکتر خلیل‌الله افضلی
- از نامه ادبی هرات ۴۵۷
 عبدالغفور سنگانی
- جایابی باغ نعمت‌آباد و بناهای بازمانده از آن ۴۶۵
 مسعود امینی
- خانقاه پوران ۴۸۷
 حمیدالله کامگار



۴۹۵	بخش سوم؛ هریوکان
۴۹۷	پهلوان محمد ابوسعید و ترجمه فارسی رساله حالات پهلوان محمد مقدمه: مسعود امینی برگردان رساله از ترکی جغتایی: احمد حسینی مروی
۵۲۱	بخش چهارم؛ عرضه داشت
۵۲۳	گزارش کاری مؤسسه پژوهشی بایسنغر
۵۳۳	بخش پنجم؛ تازه درگذشتگان
۵۳۵	غلام حیدر اسیر هروی
۵۳۹	محمد آصف فکرت هروی
۵۴۳	فضل الله زرکوب
۵۴۹	دکتر اسدالله حبیب
۵۵۵	عبدالله سمندر غوریانی
۵۶۵	عبدالکریم تمنا
۵۶۹	محمد شاه واصف باختری
۵۸۱	گزارش مختصری از برنامه های بازسازی دفتر تیکا در هرات

(۱)
معرفی دست نویس

تذکره الصالحین یا حصه سوم رساله مزارات هرات

دو فرمان سلطان حسین بایقرا
در آرشیو ملی افغانستان در
کابل

مقامات مولانا کلان زیارتگاهی

کتابت جعفر الحاج الی الله الفی جعفر البایسنغری احسن
احواله فی الدارین فی خامس عشرین
شعبان ماه الجریه بدر السلطنة
هرات حبت عن الالف
والکلمات
نعم

مقامات مولانا کلان زیارتگاهی

رساله‌ای درباره شمس‌الدین محمد عبدالله مشهور به مولانا کلان زیارتگاهی
(۷۴۵ تا ۸۱۷ ق.)

پیش‌گفتار از: دکتر عارف نوشاهی (اسلام‌آباد)

آشنایی با نسخه خطی

آشنایی من با نسخه خطی مقامات مولانا کلان زیارتگاهی^۱ به سال‌های ۱۹۹۵-۱۹۹۸ م. برمی‌گردد که در اسلام‌آباد در مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان مسئولیتی به عهده داشتم. نسخه‌های خطی کتابخانه گنج‌بخش وابسته به مرکز را بررسی و فهرست‌نویسی می‌کردم و یادداشت‌های مفیدی برمی‌داشتم. بعداً بخشی ازین یادداشت‌ها در فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان جلد چهاردهم و فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه گنج‌بخش جلد پنجم و بخشی دیگر در کتاب سیه بر سفید وارد و منتشر شد (رک. منابع). از جمله یادداشت‌ها، مطلبی به عنوان «تعظیم کتاب» برگرفته از مقامات مولانا کلان زیارتگاهی بود.^۲ به مرور زمان، این موضوع و این مقامات به فراموشی سپرده شد، تا این که در نیمه نخست سال ۲۰۲۲ م. دوست دانشمند دکتر خلیل‌الله افضلی (هراتی) را توفیق اجباری اقامت چندماهه در اسلام‌آباد حاصل شد و روزی ایشان با خواندن این مطلب در سیه بر سفید، اهمیت کتاب مقامات مولانا کلان زیارتگاهی را گوشزد کردند. من هم بی‌درنگ فردای آن روز به کتابخانه گنج‌بخش مراجعه نموده، یک بار دیگر نسخه را بررسی کردم و با مشورت دکتر افضلی تصمیم گرفتم که این متن مهم و مفید را به چاپ رسانم.

مقامات مولانا کلان زیارتگاهی در کتابخانه گنج‌بخش در یک کتاب خطی به شماره ۱۲۲۸۶ قرار دارد. فروشنده نسخه^۳ به کتابخانه گنج‌بخش این را در ابتدای نسخه در

۱. نسخه‌ای دیگر از این اثر با عنوان مقامات مولانا کلان زیارتگاهی در آرشیف ملی افغانستان با تاریخ ۱۰۹۹ ق. و نویسنده نامعلوم در کابل نگهداری می‌شود. این نسخه دارای شماره ۱۵۰/۳ بر ۱۳ است (برای اطلاعات بیشتر: فهرست دست‌نویس علی اصغر بشیر، ج ۲، ص ۳۹۸، شماره ۳۱۵۲).

۲. نوشاهی، عارف، سیه بر سفید (مجموعه گفتارها و یادداشت‌ها در زمینه کتاب‌شناسی و نسخه‌شناسی)، ۱۳۹۰، ص ۳۰۴.
۳. فروشنده نسخه خلیل‌الرحمان داوودی (د. ۲۰۰۲ م.)، کتاب‌شناس، نسخه‌شناس و کتاب‌فروش آگاه مقیم لاهور بود.



یادداشتی معرفی کرده است.^۱ مطابق یادداشت، این کتاب خطی دربرگیرنده سه اثر است: ۱. *نفع المفتیین* (مجموعه فتاوی به زبان فارسی) از ورق ۱ تا ۷۹۸ الف (با افتادگی ۸ ورق در ابتدا)؛ ۲. *رساله در آداب سفره*، از ورق ۷۹۸ الف تا ۸۰۰ الف؛ ۳. *مقامات مولانا کلان*، از ورق ۸۰۵ الف تا ۸۰۷ ب. مرحوم احمد منزوی (د. ۱۳۹۴ ش.) در فاصله سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۹ ش. که در کتابخانه گنج‌بخش مشغول به فهرست‌برداری بوده، این کتاب خطی را نیز فهرست‌نویسی کرده است؛ چنان‌که *رساله در آداب سفره* منسوب به زین‌الدین خوافی^۲ و *مقامات مولانا کلان* را معرفی نموده است.^۳ نگارنده این سطور این کتاب خطی را بررسی کرده بود. چون نسخه در ابتدا و انتها ناقص است، به عنوان دقیق کتاب و نام مؤلف دسترسی حاصل نشد و آن را عجلالتاً به عنوان «فقه ناشناخته» معرفی کرد.^۴ اکنون که پس از حدود ۲۵ سال، این نسخه را با صرف یک روز تمام از اول تا آخر دوباره بررسی کرده‌ام به این نتیجه رسیده‌ام که این کتاب خطی مجموعه نیست بلکه اثر واحد است و مؤلف به مناسبت موضوع ابواب، برخی رسایل کوتاه را در کتاب نقل و وارد کرده است که *رساله در آداب سفره* و *مقامات مولانا کلان* از این نوع «واردات» است. علاوه برین، یک دو متن دیگر هم وارد کتاب شده که در ادامه گفتار به آن‌ها خواهیم پرداخت.

اول باید دید که نام و عنوان این «فقه ناشناخته» چیست و مؤلف آن کیست؟ متأسفانه هشت برگ در ابتدای نسخه افتادگی دارد که قاعدتاً این قسمت دربرگیرنده دیباچه، نام کتاب و مؤلف بوده است. اگر احتمال بدهیم که کاتب در ترقیمه نام کتاب و مؤلف آن را

نگارنده این سطور چندین سال با او در زمینه شناسایی نسخه‌های خطی همکاری کرده است و نسخه‌های کتابخانه وی را به صورت مقالات مستقل و فهرستوار در سیه برسفید (صص ۶۵-۱۰۹) معرفی نموده است. او در طول سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۶ ش. تعدادی از نسخه‌های خطی را به کتابخانه گنج‌بخش فروخته بود. اکثر نسخه‌های فروخته شده به وسیله او از افغانستان به پاکستان رسیده بود. احتمالاً که نسخه شماره ۱۲۲۸۶ نیز از افغانستان به کتابخانه گنج‌بخش وارد شده است.

۱. اگرچه این یادداشت امضا (نام نویسنده) ندارد ولی بنده سواد مرحوم داوودی را نیک می‌شناسم و بدون هیچ تردید این یادداشت به قلم اوست. مرحوم داوودی درین یادداشت دو اشتباه کرده است؛ یکی نام کتاب *فقه رافع المفتیین* گفته که درست نیست. ثانیاً مولانا کلان را به عنوان استاد جهانگیر پادشاه معرفی نموده و سال وفاتش را ۹۸۲ ق. در آگه نوشته است که با توجه به متن مقامات این تطبیق اشتباه محض است.

۲. در سرنامه *رساله آداب سفره* چنین آمده است: «رساله در آداب سفره منقول از خط شیخ زین‌الدین الخوانی [کذا: الخوافی]». در فهرست آثار شیخ زین‌الدین خوافی (د. ۸۳۸ ق.) چنین نامی دیده نمی‌شود و در داخل متن *رساله* هم نام مؤلف نیامده است. شاید منظور مؤلف *فقه ناشناخته* اینست که کاتب نسخه *آداب سفره* شیخ خوافی بود. باری درین *رساله* با شماره‌گذاری، ۷۹ بند در آداب خوردن و نوشیدن و سر سفره‌نشستن بیان شده است.

۳. منزوی، احمد، *فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه گنج‌بخش*، «آداب سفره»، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۲۵۲۷ و منزوی، احمد، *فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان*، «مقامات مولانا کلان زین‌تگاهی»، ۱۳۸۴، ج ۱۱، صص ۱۱۰۹-۱۱۱۰

۴. منزوی، احمد، *فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان*، ۱۳۸۴، ج ۱۴، صص ۶۶۳-۶۶۴.





نوشته بود، باز هم آن قسمت در نسخه موجود نیست و نسخه ناقص الآخر است. فعلاً به یقین نمی‌توان نام کتاب و مؤلف را تعیین کرد ولی برخی اشارت‌ها در متن موجود است که به تشخیص هویت کتاب و مؤلف کمک می‌کند.

حوزه تألیف این «فقه ناشناخته» ماوراءالنهر است زیرا مؤلف بیشتر نام‌های اشخاص و اماکن (ولو مفروض و به طور مثال) را از همان سامان آورده است و از بخارا، تاشکند، سمرقند، کش و قریه تُل علیان نزدیک بخارا نام برده است (ص ۱۹۴، ۳۶۵، ۴۰۷، ۷۳۵، ۹۵۷). مؤلف در آن از دو گروه قلمماقیه و قزلباشیه نیز نام برده که در بلاد ماوراءالنهر به جان و اموال مسلمانان می‌تاختند و زنان و کودکان را به اسارت می‌بردند (ص ۱۳۸۴). عرض داشت علما به خدمت حضرت خاقان عبدالله خان نیز نقل شده که علما گفته‌اند با حضور هفتاد ساله قزلباشیه در ماوراءالنهر، این بلاد دارالحرب اعلام شود (ص ۱۳۹۲). همین یادداشت به گونه استفتا در بیان تفسیر سب (بدگویی به شیخین و حضرت عایشه از طرف گروه قزلباشیه) نیز مطرح شده و در آخر آن چندین مفتی نظر خود را داده‌اند؛ چنان که محمد بن شمس‌الدین محمد المفتی، خواجه محمد بن ابراهیم عزیزان الصدیقی، قوام‌الدین بن ناصرالدین، نورالدین محمد بن رکن الاسلام، محمدامین بن خواجه کلان (ص ۱۳۹۱) از آن جمله‌اند.

این مجموعه مثل کتب فتاوی تبویب شده و از کتاب طهارت آغاز می‌شود و به مسائل شتی ختم می‌شود. مقامات مولانا کلان در بخش مسائل شتی است. تمام مسایل و فتاوی مطابق فقه حنفی است. مؤلف به صدها کتاب فقه حنفی استناد نموده و نقل مطالب به عربی و فارسی کرده است. برخی منابع که اندکی غیرمعروف و غریب به نظر آمده، اینست: تحفة الآثار مولانا محمدامین زاهد سمرقندی (ص ۶۲)، فواید اسلامیة میرزا شریف (ص ۷۴)، مناقب علمای نیشابور (ص ۱۴۶)، فتاوی سمرقندیان (ص ۲۳۳)، فواید سمرقندیه (ص ۴۱۴)، چهار مذهب شیخ سعید فرغانی (ص ۲۶۱)، رساله اعتکافیه (ص ۲۹۱)، در بیان سماع نقل من رساله الثلجیة المنسوبة الی الشیخ الامام العالم العامل مولانا مخدومنا شمس الملة و الدین خواجه ابوبکر السنوگردی (ص ۱۰۵۵)۱، سفینه المفتیین (ص ۴۹۰)، کتاب خلاصه مولانا افتخارالدین غزنوی (ص ۵۸۲).

عادت مؤلف بر این است که از خط کسانی که نسخه‌ها و یادداشت‌ها دیده، اسامی آنان را نیز ضبط کرده است و این سلسله دراز است؛ مانند «کتاب نظام‌الدین محمد الهروی» (ص ۱۹۴)، «نقلاً من المبسوط و المحيط من خط مولانا نظام‌الدین» (ص ۳۷۹)، «فواید عمی

۱. شمس‌الدین محمد (ابوبکر) سنوگردی (سنوگردی/سنوگردی) از وعظ قرن نهم و پای‌بند شریعت بود. خواجه عبیدالله احرار (د. ۸۹۵ق.) او را در سنوگرد دیده بود و یک هفته در مجلس وعظ او شرکت کرد (رک. نوشاهی، عارف،

احوال و سخنان خواجه عبیدالله احرار، ۱۳۸۰، صص ۲۳۹ و ۲۸۴).





شیخ الاسلام نظام‌الدین» (ص ۱۲۶۶)، «کتبه محمدرضا بن محمد امین بن خواجه کلان» (ص ۱۹۵)، «توقیع قاضی محمد امین مفتی بخاری» (ص ۸۴۱، ۹۹۳، ۱۳۹۳)، «نقل من خط خواجه ابوالخیر بن ابوالقاسم»، «کتبه خواجه عزیزان دغانزی» [کذا] (ص ۹۶۸)، «نقل بواسطه واحده من خط مولانا ابوالخیر بن ابوالقاسم ابن احمد الصدیقی» (ص ۴۰۷)، «فوائد القاضی الامامی بهراة» (ص ۱۱۲۳)، «خط زین‌الدین خوافی» (ص ۱۴۹۹)، «رساله شیخ الاسلام به خط مولانا شمس‌الدین محمد» (ص ۱۳۷۹).

نشانی‌هایی که از مؤلف این «فقه ناشناخته» داریم، اینست:

۱. «این فقیر معترف به نادانی در بخارا در عهد جوانی از مخدوم ربّانی ملا شمس‌الدین محمد قهستانی علیه‌الرحمه سبحانی پرسیدم» (ص ۵۷). مؤلف به کرات به کتاب‌های ملا شمس‌الدین محمد^۱ همچون «مختصر ملا شمس‌الدین محمد» (ص ۸۷)، «شرح ملا شمس‌الدین محمد» (ص ۱۷۳)، «شرح فقه کیدانی ملا شمس‌الدین محمد» (ص ۸۴) استناد کرده است.

۲. «نقلت من خط حضرت جدّی واستاذی و من علیه اعتمادی و انا العبد میر میران بن امیر عبدالله بن مولانا میر عفی عنهم» (ص ۱۱۶).

۳. «نقل کرده شد از خط شریف جدّ ابی و ایشان نقل کرده اند به دو واسطه از خط شریف حضرت ملا محمد صلاح قدّس سرّه» (ص ۱۴۱).

۴. «نقل خط حضرت والدِ والدِ والدی ناصر الملة والدین محمد قدّس سرّه» (ص ۲۳۹).

۵. «نقلت هذه الادعية من جدّی و انا الفقیر ناصر الدین بن قوام الدین عبدالله و انا العبد المذنب میر میران بن امیر عبدالله بن مولانا میر بن مولانا ناصر الملة والدین» (ص ۲۳۹).

۶. «نقلت من خط شریف المخدومی الاعظم والدِ والدة جدّی من علیه اعتمادی و انا العبد میر میران امیر عبدالله بن مولانا میر الحسینی. فی حاشیة فصولی ف ۳۹۴،^۲

۱. هویت این رساله و شیخ الاسلام مشخص نیست. لقب شیخ الاسلام برای کسانی مختلف بوده است. در قرن ۹ سیف‌الدین احمد تفتازانی (د. ۹۱۶ق.) شیخ الاسلام هرات بود و به همین لقب در کتب یاد شده است. از آثار او بعضی رسائل در طلبه مشهور است. (خواندمیر، غیات‌الدین بن هماد الدین حسینی، حبیب‌السیر، ج ۴، ص ۳۴۹؛ نوایی، عبدالحسین، رجال کتاب حبیب‌السیر، ۱۳۷۹، ص ۲۲۵).

۲. به نظر نگارنده وی غیر از شمس‌الدین محمد عبدالله معروف به مولانا کلان است. از آنجایی که درین فهرست نام شرح فقه کیدانی شمس‌الدین محمد نیز آمده است، گمان می‌رود که اشاره به جامع المیانی فی شرح فقه الکیدانی شمس‌الدین محمد قهستانی (د. ۹۶۲ق.) باشد.

۳. مؤلف مکرر به این منبع به صورت نام کوتاه شده ارجاع داده است. گمان می‌رود «فصول» اشاره به فصول الاحکام فی اصول الاحکام معروف به فصول عمادی تألیف زین‌الدین ابی الفتح عبدالرحیم بن ابی بکر عمادالدین مرغینانی سمرقندی (زنده ۶۵۱ق.) باشد که کتاب معروف در فقه حنفی است. و علامت «ف» برای فصلی کتاب است.





سنه ۱۰۶۴» (ص ۶۱۴).

۷. «نقلت من خط الشريف استاذ العلماء حضرت مولانا صدر الملة والدين محمد الهروي وانا العبد الضعيف ابن ابن بنت مولانا المذكور، ميرميران بن امير عبدالله بن مولانا مير الحسيني، سنه ۱۰۶۴». (ص ۶۵۵) نام صدرالدين هروي جايي ديگر هم آمده است: «نقل من خط مولانا صدرالدين الهروي من حاشيه فصولي ف ۳۶۳» (ص ۹۴۵).

۸. مؤلف در بيان مصافحه، سند مصافحه را نقل کرده است و اين سند با اين كلمات آغاز می شود: «بدان که مصافحه کرده حقير ناصرالدين محمد بن قوامالدين عبدالله» و به واسطه هايی چند از: نورالدين عبدالرحمان بن مولانا علاءالدين به قريه زیارتگاه، قدوة السادات والمحدثين امير عبدالله البرزش آبادی بن سيّد عبدالحي بن سيّد علي الحسيني به مشهد طوس، سيّد ابو عبدالله حسامالدين حيدر بن الحسن الاصفهاني به ولايت ختلان، شيخ كبير شهيد بن شيخ ركن الدين سعيد الحبشي به ملك حبشه، به حضرت رسالت پناهی می رسد (ص ۱۰۵۸).^۱ به دنبال آن مؤلف آورده که حضرت امير عبدالله برزش آبادی در رساله ای که از برای سلطان ابوسعید میرزا نوشته بود، سند مصافحه خود را آورده است. درین سند نام او عبدالله بن عبدالحي بن علي الحسيني الاسبيجی آمده است و تاريخ مصافحه او با حسامالدين حيدر اصفهانی در ماه ربيع الآخر ۸۲۵ در ختلان بوده است (صص ۱۰۵۸-۱۰۶۰).

۹. میرزا شريف مفتی بخارا یکی از نزدیکان روزگار مؤلف بوده که از و با دعای مغفوری مرحومی یاد کرده و چند جا از خط و توقيع او نقل کرده است (ص ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۸۶، ۳۸۸، ۷۱۰، ۱۴۲۲).

باری با نشانی های مذکور می توان گفت که نام مؤلف «فقه ناشناخته» میرمیران بن امير عبدالله بن مولانا مير الحسيني است و او از نوادگان مولانا صدر الملة والدين محمد الهروي و ناصرالدين محمد بن قوامالدين عبدالله است. وی در سال ۱۰۶۴ق. در قيد حیات بود و اين کتاب را نیز در حوالی همان سال نوشته است. به گمان بنده نیای او ناصرالدين محمد بن قوامالدين عبدالله همانا نوه شمسالدين محمد (بن ابوبکر) سنوگردی (د. ۸۴۸ق.) است؛ چنان که در برخی منابع نام فرزند و نوه سنوگردی به همین شکل آمده است.^۳ سنوگرد قريه ای

۱. اين سند مصافحه در ضمن شرح حال ناصرالدين محمد در منكر احباب (ص ۳۷)، نیز به همین صورت آمده است. مؤلف منكر احباب با ناصرالدين محمد مصافحه کرده بود.

۲. در اصل حروف اين نسبت مکانی نقطه گذاری نشده و از روی قياس خوانده شده است.

۳. فکری سلجوقی، عبدالرئوف، رساله مزارات هرات، ۱۹۶۷، چاپ اول، صص ۷۱ و ۹۳؛ کشمی، محمد هاشم، نسما





از بلوک گذره نزدیک زیارتگاه هرات است، اما نثاری بخاری (د. ۱۰۰۵ق.) در مذكر احباب (تألیف در ۹۷۴ق. و به بعد) او را از احفاد مولانا کلان زیارتگاهی نوشته است: «خدمت عالم عامل و کامل مکمل حضرت ناصر الملة و الدین سلمه الله ابقاه ... ایشان از احفاد حضرت مولانا کلان زیارتگاهی اند ... سن شریف مُلا به هشتاد و چهار رسیده و با وجود کبر سن و کثرت امراض مختلفه درس بر دوام می‌گویند و خواص و عوام از خوان مائده افاده پرفایده ایشان مستفید می‌گردند. امید چنان است که ظلّ عالی ایشان لایزال باشد»^۱.

غیر از مقامات مولانا کلان زیارتگاهی که درین «فقه ناشناخته» درج شده، دو سه مطلب دیگر نیز متعلق به مولانا کلان زیارتگاهی درین کتاب دیده شده است. مؤلف در باب نماز، سرنامه‌ای دارد، «اوراد نماز بامداد حضرت مولانا کلان زیارتگاهی قدس سرّه» (صص ۱۱۰-۱۱۱) و «اوراد نماز حضرت مولانا زیارتگاهی قدس سرّه» که از خط جدّ و استاد خود نقل کرده است (ص ۱۱۶). ما این دو مطلب را نیز به انضمام مقامات چاپ کرده‌ایم. جایی در ضمن مسائل نماز و تر به رساله مولانا محمد زیارتگاهی استناد شده است (ص ۲۰۳) که منظور مولانا کلان زیارتگاهی باشد.

علاوه بر متن رساله آداب سفره و مقامات مولانا کلان، مؤلف متن رساله‌ای در تعیین شب قدر از مولانا زاده اصفهانی نیز آورده است (صص ۲۹۶-۲۹۲).

کاتب نسخه، سواد کامل نداشته و بسیاری از الفاظ و لغات را فقط رونویسی کرده و به صحت آن توجه نداشته است. اگر فقط از اشتباهات املائی در مقامات مثال بیاوریم، خوفی را خوانی، طمغا را طعما، و فکلّ أحد منهم فریدالدهر و کُلّ أحد منهن رابعة العصر را در هر دو جا فکلو احد و کلو احد نوشته است.

مولانا کلان زیارتگاهی و مقامات او

نسخه ۱۲۲۸۶ سه نوع صفحه‌شمار دارد؛ یکی قدیم‌تر با قلم و مرکب مشکی که ورق‌شمار است، دیگری جدید با خودنویس که آن نیز ورق‌شمار است و سه دیگری جدیدتر با مداد مشکی که صفحه‌شمار است. ما درین گفتار از صفحه‌شمار پیروی کرده‌ایم. رساله مقامات مولانا کلان زیارتگاهی از صفحه ۱۵۱۳ تا ۱۵۱۸ قرار دارد و در انجام افتادگی دارد. در سرنامه نام آن به مرکب قرمز «در بیان مقامات مولانا کلان زیارتگاهی و اولاد ایشان» ضبط شده است. کتاب با دیباچه معمول در حمد و نعت و منقبت اصحاب و اتباع و علما و مشایخ شروع شده ولی مؤلف از خود نامی نیاورده است. از طرفی معلوم نیست که کل حجم رساله مقامات

^۱القدس من حدایق الانس، نسخه خطی، ص ۷۶.

۱. نثاری بخاری، سید حسن خواجه نقیب الاشراف، مذكر احباب، ۱۳۷۷، ص ۳۷.





چقدر بوده و چه اطلاعات ذیقیمتی در بخش آخر داشته که اکنون نسخه فاقد آن است. گمان می‌رود حجم مابقی رساله دو سه ورق بیشتر نباشد و مطلب با شرح اولاد و احفاد تمام شده باشد زیرا هدف مؤلف نگاشتن شرح حال مولانا کلان و اولادش بوده است. او در بخش اولیه برخی مناقب و واقعات مولانا کلان را با ذکر وفات و مدفن او تمام کرده و آن گاه شرح حال اولاد او را شروع نموده و گفته که مولانا کلان شش پسر و چهار دختر داشت. نسخه پس از سطری چند در شرح حال فرزند اول، ناقص مانده است. باید منتظر ماند تا این «فقه ناشناخته» با نام واقعی شناخته شود و روزی به کمک نام دقیق، نسخه‌ای سالم و کامل از آن به دست آید یا نسخه‌ای مستقل از مقامات کشف شود و متن مقامات تکمیل شود.

مؤلف بلافاصله پس از تمهید و تحمید می‌گوید به خاطر چنان رسید که از حالات مولانا شمس‌الدین محمد مشهور به مولانا کلان و اولاد بزرگوار او، آنچه از ائمه و ثقات شنیده بود، مرقوم نماید (ص ۱۵۱۴). ازین جا معلوم می‌شود که مؤلف با کسانی نزدیک بوده که با مولانا کلان معاصر و معاشر بودند و آنان آن چنان که مولانا کلان را دیده بودند برای مؤلف تعریف کردند. بنا بر این هر چه در مقامات آمده است، از روایات دست اول است.

از مطاوی مقامات، زندگی‌نامه مولانا کلان چنین خلاصه می‌شود:

نام کامل او شمس‌الدین محمد عبدالله مشهور به مولانا کلان بود. اصل او از استندِ خاف (خواف) بود. پدر او شهاب‌الدین عبدالله نام داشت که اول فرزندش را برای تحصیل علوم به مدرسه‌ای در هرات و پس از مدتی نزد مولانا جلال‌الدین محمود زاهد به روستای مرغاب در جنوب شهر هرات بُرد. او در مدرسه مرغاب تکمیل تحصیل نمود و از استاد خود لقب «مولانا کلان» دریافت. جلال‌الدین محمود به چنین شاگردی افتخار داشت و در حق او پیش‌بینی کرد که همیشه علم در اولاد او باقی خواهد ماند. جلال‌الدین محمود به خواست مردم زیارتگاه، مولانا کلان را به زیارتگاه فرستاد و دعایی داد که به یمن مولانا کلان، قریه زیارتگاه رونق گرفته شهری خواهد شد. مولانا کلان در آن جا در مدرسه قدیم به تدریس علوم و در مسجد بازار به پیش‌نمازی پرداخت. روزهای جمعه باز به مرغاب می‌رفت و نماز جمعه را با استاد خود جلال‌الدین محمود می‌خواند؛ تا این که به اشارت جلال‌الدین محمود در زیارتگاه نیز اقامه نماز جمعه آغاز شد.

مولانا کلان شخصی متوجّح، زاهد و متقی بود. در نماز حالت استغراق و غلبه جذبات داشت چنان که خود تعداد رکعات نماز را نمی‌توانست بشمارد. در خوردن لقمه حلال بسیار

۱. از همانامان و همروزگاران اویند: شمس‌الدین محمد امین زیارتگاهی (د. ۸۸۵ ق.)؛ شمس‌الدین محمد اسد گازرگاهی (د. ۸۷۴ ق.)، مولانا شمس‌الدین محمد مدفون کوه شمالی گازرگاه هر سه مرید شیخ زین‌الدین خوافی بودند. (رک. سید اصیل‌الدین عبدالله واعظ، مقصد الاقبال سلطانیه و مرصد الآمال خاقانیه، ۱۳۵۱، صص ۱۱۲ تا ۱۱۵).





می‌کوشید و طعام بازار و حتی طعام پادشاه هرات را نمی‌خورد. کتاب دوست بود و به کتاب احترام قائل بود. به طلبه کمک مالی می‌کرد. از ملاقات با حاکمان اجتناب می‌داشت. وی در ماه محرم هشت صد و هفده/سبع و عشر و ثمانمائه/۸۱۷ ق. (۱۴۱۴ م.) درگذشت. زُبدگان هرات مانند شیخ زین‌الدین خوافی، شیخ بهاء‌الدین عمر، سید امیر جلال‌الدین قاسم، شیخ محمد جزری محدث در نماز جنازه او شرکت داشتند. قبر او در دشت زیارتگاه هرات است.

او ده فرزند داشت، شش پسر و چهار دختر که هر یکی یگانه وقت بودند. فرزند کلان او مولانا فصیح‌الدین محمد شاگرد شیخ محمد فراهی بود و با شیخ بهاء‌الدین عمر جغارگی تفسیر مدارک التنزیل می‌خوانده‌اند و بحث می‌کرده‌اند. چون نسخه رساله در ذکر فصیح‌الدین محمد ناقص افتاده است، اسامی دیگر فرزندان مولانا کلان معلوم نشد. در منابع دیگر حدّ اقل نام دو اثر ملا کلان دیده شد. یکی رساله مولانا محمد زیارتگاهی در مسایل فقهی و دیگری مواظ پیرتسلیم در سخنان و وعظ‌های پیرتسلیم نظام‌الدین عبدالرحیم هروی.

ذکر مولانا کلان در دیگر منابع

امیر سید عبدالله الحسینی معروف به اصیل‌الدین واعظ هروی (د. ۱۷ ربیع الآخر ۸۸۳ ق.) ازو چنین یاد کرده است: «مولانا شمس‌الدین محمد الزاهد المتورّع المتقی المشهور به مُلای کلان، از اکابر زهاد و عباد خراسان بوده و حنفی‌المذهب و از اصحاب شیخ زین‌الدین ابوبکر تایبادی و مولانا محمود زاهد مرغابی و شیخ شاه فراهی بوده و مواظ پیرتسلیم را ایشان جمع نموده و در سلک نظم آورده. و کمالات ایشان بیش از آن است که درین مختصر جمع توان کرد. و در امر معروف و نهی منکر ید طولی داشت و از صحبت مردم آخر احتراز می‌نمود و هر چند خاقان سعید خواست که به صحبت او مشرف شود به جای نرسید. عمرش به هفتاد و دو سال رسید. مدفن ایشان در مقبره زیارتگاه است».^۲

از نوشته اصیل‌الدین چند اطلاع مفید درباره مولانا کلان به دست می‌آید. یکی او از اصحاب شیخ زین‌الدین ابوبکر تایبادی (د. ۷۹۱ ق.) بود؛ دیگری او مواظ پیرتسلیم را گردآوری کرده بود؛ سه دیگری سن او ۷۲ سال بود.

۱. پیرتسلیم نظام‌الدین مابزنا بادی خوافی از عرفای قرن هفتم که با شیخ علاءالدوله سمنانی معارضه داشت و در سال ۷۳۸ ق. در هرات کشته شد. (نک. جامی، نورالدین عبدالرحمان، *نفحات الانس من حضرات القدس*، ۱۳۷۰، صص ۴۸۶، ۴۹۸، ۵۰۱، ۸۴۱؛ باخرزی، عبدالواسع نظامی، *مقامات جامی*، صص ۳۸، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۷۲؛ نوایی، عبدالحسین، *رجال کتاب حبیب السیر*، ۱۳۷۹، صص ۸۲ - ۸۳).

۲. فکری سلجوقی، عبدالرؤف، رساله مزارات هرات، ۱۹۶۷، چاپ اول، ص ۷۹.





در مقامات ابوبکر تایبادی، چند نفر با نام شمس الدین محمد یاد شده‌اند که هویت برخی کاملاً مشخص است و مصداق مولانای کلان نیستند. فقط یکی از آنان (شیخ شمس الدین محمد زاهد) می‌تواند مولانا کلان باشد. در مقامات تایبادی آمده «مقبول دل‌ها و سرور خاطره‌ها شیخ شمس الدین محمد زاهد گوید که چون اعتقاد و ارادت به مولانا شیخ الاسلام [= یعنی ابوبکر تایبادی] درست کردم و در مقام بیعت آمدم ... الی آخر»^۱. پیر تسلیم استاد جلال الدین محمود مرغابی بود و محمود مرغابی استاد مولانا کلان بود. پس می‌توان گمان برد که به واسطه استاد، مولانا کلان به خدمت پیر تسلیم نیز رسیده و در مجالس او شرکت کرده و مواظب او را به ضبط تحریر آورده‌است ولی نسخه‌ای ازین مواظب معلوم نیست.

چون مولانا کلان در ۷۲ سالگی فوت کرده، باید در حدود ۷۴۵ ق. به دنیا آمده باشد. سید حسن خواجه نقیب الاشراف بخاری متخلص به نثاری (د. ۱۰۰۵ ق.) که از اهالی بخارا و اهل فضل و دانش بود، در ۹۷۴ ق. تذکره مذکر احباب را نوشته‌است. درین کتاب شرح حال کسانی را آورده که آنان را دیده بود یا قریب به روزگار او بوده‌اند. در ضمن شرح حال ناصر الدین محمد بن قوام الدین عبدالله که در هنگام تألیف تذکره ۸۴ ساله بود، می‌نویسد: «ایشان از احفاد حضرت مولانا کلان زیارتگاهی‌اند که از اعظم اکابر بوده‌اند و هر چند که شاهرخ میرزا داعیه ملازمت ایشان کرده و استدعا نموده، مقبول طبع شریف ایشان نیفتاده»^۲. نام دیگر کسانی که در مقامات آمده ما سعی کرده‌ایم که آنان را بیشتر بشناسیم:

بهاء الدین عمر (معاصر مولانا کلان)، با این نام دو نفر در هرات بوده‌اند؛ یکی بهاء الدین عمر جغارگی (د. ربیع الاول ۸۵۷ ق.) و دیگری شیخ حافظ بهاء الدین عمر آبردهی^۳. به احتمال زیاد در مقامات منظور جغارگی است. خانقاه او در قریه جغاره در نیم فرسنگی جنوب هرات بود. خواجه عبیدالله احرار در هنگام اقامت خود در هرات بسیار به خدمت او می‌رفت و در ملفوظات خواجه احرار مکرر از او یاد شده‌است. در شمال عیدگاه هرات دفن است^۴.

سید امیر جلال الدین قاسم (معاصر مولانا کلان)، قیاس شود با امیر جلال الدین قاسم نقیب که نبیره امیر شمس الدین علی نقیب نجفی کوفی است. فرزند او امیر شمس الدین علی نقیب سبزواری در حسب و نسب و مال و متاع شهرت تمام داشت. شرح حال او در

۱. بوزجانی، تاج الدین محمود، مقامات تایبادی، ۱۳۹۰، صص ۱۴۱ و ۱۵۲.

۲. نثاری بخاری، سید حسن خواجه نقیب الاشراف، مذکر احباب، ۱۳۷۷، ص ۳۷.

۳. جامی، نورالدین عبدالرحمان، نفحات الانس من حضرات القدس، ۱۳۷۰، صص ۴۵۱ - ۴۵۳.

۴. همان، صص ۴۵۶ - ۴۵۸؛ نوشاهی، عارف، احوال و سخنان خواجه عبیدالله احرار، ۱۲۸۰، صص ۴۰۷-۴۰۸ و ۸۱۰؛

نوبی، عبدالحسین، رجال کتاب حبیب السیر، ۱۳۷۹، صص ۱۵۲ - ۱۵۴.



حبیب السیر آمده است.^۱

جلال‌الدین محمود مرغابی (استاد مولانا کلان)، ورع و تقوی به کمال داشت. شاگرد پیر تسلیم نظام‌الدین عبدالرحیم بود. در مرغابِ هرات مدرسه‌ای داشت و وعظ می‌گفت. وفاتش در ذی الحجه ۷۷۸ ق. اتفاق افتاد. خاک او در دامن دشت یلان نزدیک زیارتگاه موجود است.^۲

زین‌الدین ابوبکر خوافی (د. ۲۱ شوال ۸۳۸ ق.) از مشایخ و علمای معروف و مؤلف منهج‌الرشاد است. در جوار عیدگاه هرات مدفون است.^۳

شیخ محمد جزری (از معاصران مولانا کلان) نام او در مقامات با القاب «حضرت استاد المحدثین» آمده است. با این صفت او می‌تواند شمس‌الدین ابوالخیر محمد بن محمد بن یوسف جزری (۷۵۱ - ۸۳۳ ق.) مقری، محدث و فقیه شافعی باشد که پس از ۸۰۷ ق. مدتی در هرات بوده و در رمضان ۸۰۸ ق. از هرات به شیراز رفت و همان‌جا درگذشت.^۴ حضور او در هرات در ۸۱۷ ق. باید از منابع دیگر نیز تأیید شود.

شهاب‌الدین عبدالله (پدر مولانا کلان) در مقامات آمده که در استندِ خواف بوده، فرزندش را برای تعلیم به هرات برد. چنان متوزع و متقی بود که وقتی دید در تاق مدرسه‌ای که فرزندش درس می‌خواند، پاره نان بازاری است احتمال داد که از وجه حلال نباشد و فرزندش را از آن مدرسه بیرون کشید و به مدرسه مرغاب هرات برد.

فصیح‌الدین محمد (فرزند ارشد مولانا کلان) به علوم ظاهری و باطنی آراسته بود و کشف قبور و صدور داشت.

شیخ محمد فراهی (معاصر فرزند مولانا کلان)، شیخ شاه یا شیخ محمدشاه در فراه متولد شد و در هرات اقامت داشت. خواجه عبیدالله احرار و عبدالرحمان جامی به ملاقات او رفته‌اند. از چاشنی درویشی حظی تمام داشت. مرید شاه علی فراهی بود. بهاء‌الدین عمر

۱. نوایی، عبدالحسین، رجال کتاب حبیب السیر، ۱۳۷۹، ص ۲۸۶.

۲. جامی، نورالدین عبدالرحمان، نفحات الانس من حضرات القدس، ۱۳۷۰، صص ۵۰۱ - ۵۰۲؛ خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین حسینی، حبیب السیر فی اخبار افراد بشر، زیر نظر محمد دبیرسیاقی، چاپ سوم، ج ۳، ص ۵۴۲؛ نوایی، عبدالحسین، رجال کتاب حبیب السیر، ۱۳۷۹، ص ۸۸؛ باخرزی، عبدالواسع نظامی، مقامات جامی، ص ۲۲۳؛ خوافی، فصیح احمد بن جلال‌الدین محمد، محمل فصیحی، ذیل وقایع ۷۷۸؛ فکری سلجوقی، عبدالرئوف، رساله مزارات هرات، ۱۹۶۷، چاپ اول؛ نوشاهی، عارف، احوال و سخنان خواجه عبیدالله احرار، ۱۳۸۰، ص ۲۳۱.

۳. جامی، نورالدین عبدالرحمان، نفحات الانس من حضرات القدس، ۱۳۷۰، صص ۴۹۳ - ۴۹۵؛ نوشاهی، عارف، احوال و سخنان خواجه عبیدالله احرار، ۱۳۸۰، صص ۴۱۱ - ۴۱۲؛ فکری سلجوقی، عبدالرئوف، رساله مزارات هرات، ۱۹۶۷، چاپ اول، صص ۸۸ - ۸۹؛ خوافی، زین‌الدین ابوبکر، منهج الرشاد، ۲۰۲۱، مقدمه.

۴. دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، صص ۲۳۴ - ۲۳۱.





جغارگی خواهرزاده اوست.^۱

ملک هرات (حاکم یا پادشاه هرات، معاصر مولانا کلان) در مقامات نام او مشخص نشده است. در مقصد الاقبال هم فقط خاقان سعید آمده که لقب است. مراد از این شخص شاهرخ بن امیر تیمور (حک. ۸۰۷ تا ۸۵۰ ق.) است چنان که در مذکر احباب (ص ۳۷) آمده است.

ناصرالدین محمد کوسوی (از معاصران و ارادتمندان مولانا کلان) فقیه، زاهد، متورّع و در علم فقاہت کامل بود. در ۸۲۸ ق. درگذشت و در حظیره امام فخر رازی در هرات مدفون است.^۲ مولانا هارون (شاگرد مولانا کلان) به غایت صالح و یگانه وقت بود. سفری به حجاز رفت. او راوی یکی از واقعات در مقامات مولانا کلان است.

مولد و مدفن مولانا کلان

در مقامات به صراحت نام زادگاه او استندِ خوف و نام محل دفن او دشت زیارتگاه هرات آمده است. نام این دو مکان در منابع تاریخی آمده است چنان که به قول حافظ ابرو قریه استند در ولایت قهستان در ناحیه زیرکوه است. در شرق قهستان، ولایت خوف واقع است.^۳ زیارتگاه/ زیارتجاء در بلوک گذره [نام قدیم گذاره] از دهات هرات است.^۴ به قول اسفزاری قصبه زیارتگاه از غایت معموری و آبادانی حکم مصر جامع داشت ولی ویرانش کردند.^۵

خانقاه مولانا کلان

مسکن و مدفن مولانا کلان در دشت زیارتگاه (زیارتجاء) است که در شهرستان گذره هرات واقع است. در قسمت جنوبی زیارتگاه دشتی است هموار که آن را «دشت یلان» می نامند و در آن دشت گورستانی ست بزرگ که آرامگاه عرفا، شعرا و دانشمندان زیادی می باشد. درین

۱. جامی، نورالدین عبدالرحمان، نفحات الانس من حضرات القدس، ۱۳۷۰، ص ۴۶۵؛ نوشاهی، عارف، احوال و سخنان خواجه عبیدالله احرار، ۱۳۸۰، صص ۱۶۶، ۴۰۷؛ نوایی، عبدالحسین، رجال کتاب حبیب السیر، ۱۳۷۹، ص ۱۵۲.

۲. فکری سلجوقی، عبدالرئوف، رساله مزارات هرات، ۱۹۶۷، چاپ اول، ص ۸۲.

۳. حافظ ابرو، شهاب الدین عبدالله خوفی، جغرافیای تاریخی خراسان در تاریخ حافظ ابرو، ۱۳۷۰، صص ۲۸ - ۲۹؛ مطابق اطلاعات دستیاب در اینترنت، روستای استند در شهرستان زیرکوه، استان خراسان جنوبی در جنوب شرقی قاین واقع است. فاصله آن تا مرکز این شهرستان (شهر حاجی آباد) ۳۵ کیلومتر است. نام این روستا در ابتدا «ایستند» بوده که به مرور زمان به استند تبدیل شده است. استند در گودی دامنه کوه شمالی شاسکوه و دامنه شرقی کوه آهنی استند قرار دارد. جمعیت این روستا حدود ۱۳۰۰ نفر است (<https://seeiran.ir>).

۴. حافظ ابرو، شهاب الدین عبدالله خوفی، جغرافیای حافظ ابرو قسمت ربع خراسان: هرات، ۱۳۴۹، ص ۱۶ و ۸۰؛ سید اصیل الدین عبدالله واعظ، مقصد الاقبال سلطانیه و مرصد الآمال خاقانیه، ۱۳۵۱، ص ۷۳.

۵. زمچی اسفزاری، معین الدین محمد، روضات الجنات، ۱۳۳۹، ج ۲، ص ۲۵۵.



نامه: بیسنغر، شماره سوم، ۱۴۰۲ خورشیدی



دشت ساختمان مخروطه‌ای می‌توان دید که تا چند قرن قبل از بناهای ارزنده معماری این سرزمین بود. این ساختمان از دیرباز به نام «خانقاه مُلای کلان» معروف است. این بنای تاریخی نیمه‌ویران و فراموش‌شده‌گذره، خانقاه مُلای کلان (مولانا شمس‌الدین محمد زاهد زیارتگاهی) است. این خانقاه در گورستان کهنه زیارتگاه تقریباً در ۱۸ کیلومتری جنوب شهر هرات قرار دارد. از کتیبه اصلی بر می‌آید که ساخت خانقاه به زمان سلطان حسین بایقرا برمی‌گردد اما این که به اهتمام چه کسی ساخته شده آن قسمت از کاشی‌ها متأسفانه افتاده‌است. اندرون ایوان شمالی کتیبه‌ای داشته به خط ثلث عالی روی کاشی لاجوردی و القاب سلطان حسین بایقرا در آن کتیبه نوشته و عمده‌جز دو موضع از بین رفته‌است. مدفن مولانا کلان پیش‌روی ایوان شمالی خانقاه، اندکی به طرف شرق واقع است که اطراف آن را محجری از خشت و سیمان ساخته‌اند. مزارش لوح و کتیبه‌ای ندارد.^۱

در پایان وظیفه خود می‌دانم از اولیای کتاب‌خانه گنج‌بخش ابراز تشکر کنم که تصویر نسخه خطی ۱۲۲۸۶ را در اختیار بنده قرار دادند. همچنین از دکتر خلیل‌الله افضل‌سیاس‌گزار می‌کنم که مقدمات چاپ این متن فراموش‌شده متعلق به هرات را فراهم آوردند. و من الله التوفیق.

منابع

- باخرزی، عبدالواسع نظامی، (بی‌تا)، مقامات جامی، مقدمه، تصحیح و تعلیقات نجیب مایل هروی، تهران: نشر نی.
- بوزجانی، تاج‌الدین محمود، (۱۳۹۰)، مقامات تالیپادی، تصحیح و بازنویسی علاء‌الدین گوشه‌گیر، دزفول: نشر افهام.
- پاکتچی، احمد، (۱۳۶۹)، «ابن جزری»، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۳، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
- جامی، نورالدین عبدالرحمان، (۱۳۷۰)، نفحات الانس من حضرات القدس، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمود عابدی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- حافظ‌ابرو، شهاب‌الدین عبدالله خوافی، (۱۳۷۰)، جغرافیای تاریخی خراسان در تاریخ حافظ‌ابرو، تصحیح و تعلیق غلام‌رضا وره‌رام، تهران: انتشارات اطلاعات.

۱. تمام اطلاعات با ویرایش و اندکی اصلاحات درباره خانقاه مولانا کلان برگرفته از مقاله «خانقاه ملای کلان» نوشته آقای حمیدالله کامگار است. این مقاله هنوز چاپ نشده و دکتر خلیل‌الله افضل‌سیاس‌گزار در اختیارم گذاشته‌اند. در منابع آقای کامگار کتاب‌هایی چون معماری تیموری در خراسان تألیف بنراد اوکین، معماری تیموری در ایران و توران تألیف دونالد ویلبر، [تعلیقات فکری سلجوقی] رساله مزارات هرات، صص ۱۱۳ - ۱۱۴، هرات در عهد تیموریان تألیف سید حسین مجتوبی و حاکم‌نشینان هرات تألیف رسول پویان بوده‌اند.





- (۱۳۴۹)، *جغرافیای حافظ ابرو قسمت ربع خراسان: هرات*، به کوشش مایل هروی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- خوافی، زین الدین ابوبکر، (۲۰۲۱ م.)، *منهج الرشاد*، با مقدمه عارف نوشاهی، مکهد: دارالاشاعت نظامیه.
- خواندمیر، غیاث الدین بن هماد الدین حسینی، (۱۳۳۳)، *حبیب السیر فی اخبار افراد بشر*، زیر نظر محمد دبیرسیاقی، تهران: خیتام.
- زمچی اسفزاری، معین الدین محمد، (۱۳۳۹)، *روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات*، تصحیح، حواشی و تعلیقات سید محمد کاظم امام، تهران: دانشگاه تهران.
- واعظ، سید اصیل الدین عبدالله، (۱۳۵۱)، *مقصد الاقبال سلطانیه و مرصد الآمال خاقانیه*، به کوشش مایل هروی، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- فکری سلجوقی، عبدالرئوف، (۱۹۶۷ م.)، *تعلیقات فکری سلجوقی بر رساله مزارات هرات*، چاپ اول، کابل: بی نا.
- کامگار، حمیدالله، «خانقاه ملای کلان» (مقاله)، چاپ نشده.
- کشمی، محمد هاشم، *نسمات القدس من حدایق الانس*، نسخه خطی، اسلام آباد، کتاب خانه گنج بخش، شماره ۱۰۴۷۰.
- *مقامات مولانا کلان زیارتگاهی*، در مجموعه خطی شماره ۱۲۲۸۶، کتاب خانه گنج بخش، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- منزوی، احمد، (۱۳۷۵)، *فهرست مشترک نسخه های خطی فارسی پاکستان*، ج ۱۱ و ۱۴، با اضافات، تجدید نظر و اهتمام عارف نوشاهی، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- (۱۳۸۴)، *فهرست نسخه های خطی فارسی کتاب خانه گنج بخش*، گردآوری، تجدید نظر و بازنویسی عارف نوشاهی، اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- نشاری بخاری، سید حسن خواجه نقیب الاشراف، (۱۳۷۷)، *مذکر احباب*، مقدمه، تصحیح و تعلیقات نجیب مایل هروی، تهران: مرکز نشر.
- نوایی، عبدالحسین، (۱۳۷۹)، *رجال کتاب حبیب السیر*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- نوشاهی، عارف، (۱۳۸۰)، *احوال و سخنان خواجه عبیدالله احرار*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- (۱۳۹۰)، *سیه بر سفید (مجموعه گفتارها و یادداشت ها در زمینه کتاب شناسی و نسخه شناسی)*، تهران: میراث مکتوب.

در بیان مقامات حضرت مولانا کلان زیارتگاهی و اولاد و احفاد ایشان

حمد و ثنای مر خدای را (جلّ جلاله و عمّ نواله) آن مبدعی که قطره آب را در قعر ظلمت بشریت به نور رحمت در صدف دُرّ معرفت ساخت و نفس خسیس شیطان صفت [ص ۱۵۱۴] را مجد و روح قدسی سیرت مَلِکی ارزانی داشت. و صد هزار تحفه تحیات و صلوات زاکیات نثار آن نوباوه بوستان سیادت (علیه الصلوات و السّلام) منبع اخلاق الهی و مخزن اسرار نامتناهی، ذات کامل الصفات او بوده. و درود بی شمار بر جمیع اصحاب و اتباع او که هر یک به طهارت ازلی مخصوص اند و بر علماء کرام که رام گشتگان کمند عبودیت اند و بر مشایخ کبار که باریافتگان حضرت ربوبیت اند، باد. رضوان الله علیهم اجمعین.

به خاطر چنان رسیده که از حالات حضرت قدوة العلماء المحققین و صفوة اتقیاء المتأخرین والمتورّعین، مرشد السالکین المختص بغیایه ملک الصمد، مولانا شمس الدین محمد المشهور به «مولانا کلان» علیه الرحمه والرضوان و اولاد بزرگوار ایشان که از ائمه و ثقات استماع افتاده، مرقوم رقم کلک بیان گردند، اگرچه زبان خامه از تحریر آن از هزار یکی و از بسیار اندکی بر تقدیر آن که مداد از بحر محیط باشد «وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا» عاجز است، دران خوض می باید. و من الله التوفیق.

ایشان از استندِ خاف [خواف] اند. چون به حد بلاغت [کذا: بلوغت] رسیده اند پدر بزرگوار ایشان که به غایت متورّع و یگانه وقت بوده اند (مولانا شهاب الدین عبد الله) ایشان را به جهت تحصیل علوم به هرات آورده و خود به وطن مألوف مراجعت نموده اند. بعد از مدّت باز آمده به خانه مدرسه ایشان درآمده اند. از نان بازار در تاق مدرسه یافته، عتاب کرده اند که نان بازار مگر تناول می نمایی؟ ایشان فرمودند که حاشا که نان بازار به دهان رسیده باشد، لیکن مرا



مصاحبی است که گاهی که به خوردن نان بازار اشتغال می‌نماید. پدر بزرگوار ایشان فرموده‌اند که در موضع که مصاحب کسی نان بازار خورد، در آن جا نمی‌توان بود. ایشان را برداشته به مرغاب هراة به خدمت شیخ الشیوخ فی العرب و العجم، قطب الاسلام والمسلمین، وارث الانبیاء [ص ۱۵۱۵] و المرسلین، مولانا جلال‌الدین محمود زاهد آورده‌اند. در مدرسه [مرغاب]^۱ به تحصیل علوم شدند. چون وجود ایشان در دارالضرب به سکه محمودی رسید، ابواب علوم ظاهر و باطن بر ایشان مکشوف گشته، تا آن که اصحاب زیارتگاه استدعای پیش‌نمازی از خدمت مولانا نموده‌اند. خدمت مولانا جلال‌الدین محمود فرموده‌اند که از طلبه علم هر کس را که خاطر مصمم سازند به تقدیم رسانیده شود. اصحاب زیارتگاه خدمت ایشان را مطلوب داشتند. خدمت مولانا فرموده‌اند که ایشان مولانا کلان‌اند. از این جا ملقب به «مولانا کلان» شده‌اند. چون به زیارتگاه آمده‌اند در مدرسه قدیمه به درس علوم و در مسجد بازار به اداء صلوة خمسسه اشتغال می‌نموده‌اند. معتاد ایشان بوده که روز جمعه به قریه مرغاب می‌رفته‌اند و نماز جمعه با خدمت مولانا می‌گذارده‌اند، تا به اشارت خدمت مولانا نماز جمعه در قریه زیارتگاه قایم شده.

روزی خدمت مولانا جلال‌الدین محمود در وعظ خود فرموده‌اند که زیارتگاه به یمن محمد عبدالله شهری خواهد شد، تا دامان قیامت از اولاد ایشان علم بیرون نخواهد رفت و زود باشد که علم از اولاد من بیرون رود و آنچه او از من فراگرفته است من دانم [و] او. والله که چون وی متورعی نمی‌دانم و در قیامت مرا به شاگردی وی تفاخر است.

یکی از شاگردان را عادت چنان بوده که هر صباح به در خانه ایشان می‌آمده و کتابی که بعد از صلوة می‌خوانده‌اند بر می‌داشته و در مسجد که خلع نعلین می‌کرده‌اند، نعلین بر می‌داشته. شبی با شخصی به شطرنج پرداخته، چون صباح شد به در خانه آمده، ایشان از گرفتن کتاب وی را منع نموده‌اند، و چون در مسجد قصد برداشتن نعلین نموده، عصای خود را بر کفش نهاده، خود برداشتند. بعد از قرائت باز به گرفتن کتاب مبادرت نموده،^۲ فرموده‌اند که دستی که به شطرنج ملوث شده باشد، پس کتاب را نشاید.

روزی یکی از مخلصان به ضیافت ایشان مبادرت نموده خریزه‌ای چند بعد [ص ۱۵۱۶] از طعام [به حضور]^۳ شریف ایشان آورده. چون بریده‌اند، هر چند در جذب آن اهتمام نموده‌اند

۱. در اصل: مصاحبی

۲. در اصل موریانه زده و فقط دندان‌های برخی حروف باقی مانده است. اضافه در پراختن از روی قیاس و قرینه است.

۳. عبارت «بعد از قرائت باز به گرفتن کتاب مبادرت نموده» در حاشیه آمده است.

۴. یک کلمه را موریانه زده، آخرین حرف این کلمه «ر» است، اضافه از روی قیاس است.





میسر نگشته، از دهان بیرون کرده فرموده‌اند که این خربزه از زمین تو [نیست].^۱ چون تفحص کرده‌اند به بیان واقع بوده، زبان اعتذار گشاده که مرا وقوف آن نبود. ایشان فرموده‌اند لقمه‌ای که در آن اشتباه باشد، به گلوی محمد عبدالله فرو نمی‌رود.

و از طلبه علم یکی را دیناری چند داده‌اند. قلت معاش فرموده‌اند به شرط آن که از آن جا به نوعی خرج نموده باشد که اطلاع به کمیّت آن نیاید. چون مدت مدید از مبلغ قلیل، خرج کثیر نموده و خاطر وی از آن قاصر که هر چند نماید وافر است. روزی تفحص دنانیر نموده و به کمیّت آن اطلاع یافته. چون مبلغ را که خرج نموده، دیگر نبوده از قلت معاش شکایت کردی. ایشان فرموده‌اند که اطلاع به کمیّت آن یافته که به اتمام رسید. اعتراف نموده، فرموده‌اند که اگر اطلاع به کمیّت آن نیافتی هر چند حیات وافر بودی، آن مبلغ خرج تو را قاصر نبودی. نقل است که چون ادای صلوة می‌نموده‌اند یکی از فرزندان را [به] تعیین رکعات مقرر فرموده، از غایت استغراق و غلبه جذبات نباید که تبدیل رکنی شود، آن فرزند را حالتی و کیفیتی دست می‌داد درین محل که در باقی اوقات نبوده. او را تمتی آن بوده که تمام اوقات خود را به اخبار رکعات صلوة ایشان گذراند.

از^۲ مولانا هارون که یکی از شاگردان ایشان بوده و به غایت صلاح، یگانه وقت بوده، منقول است که چون مرا به سفر حجاز اتفاق افتاد در راه [در] هر محل که مرا خوفی واقع شدی، توجّه به جانب ایشان می‌نمودم، آن دفع شدی؛ تا آن که در طواف بیت الحرام خدمت ایشان را ملاقات نمودم. در ایشان آویختم و از ایشان دست باز نداشتم و ایشان را سوگند دادم که مرا همراه خود بیارید، و ایشان فرموده‌اند که مطبوع تو مقبول است به شرط آن که مؤکد به سوگند سازی که هر چه مشاهده [ص ۱۵۱۷] نمایی مدت حیات من در کتمان آن سعی مبذول داری، [قبول] نمودم. چون از مکه معظمه بیرون آمدم اشتر سفیدی دیدم که استاده، چون ایشان را دید [در ساعت]^۴ در زانو در آمد. خدمت ایشان برنشستند و فقیر نیز در عقب ایشان نشستم، و فرمودند که سر به پیش انداز و چشم فراهم نه. به سر و چشم اطاعت نمودم. بعد از زمانی فرمودند چشم فراز نمای. در دشت زیارتگاه، در موضع که الان مقبره متبرکه ایشان است، در وقت نماز عصر خود را یافتیم. خدمت ایشان به آن عبارت فرموده‌اند که «اشتر دیدی نی»، تا مدت حیات این امر را افشا ننموده‌ام.

نقل است که چند نوبت ملک هراة به خدمت ایشان آمده، هیچ نوبت ملاقات ننموده‌اند.

۱. در اصل کلمه‌ای مشابه «بنفصیت» است، تصحیح قیاسی است.

۲. در اصل: نقل است که + از. چون در انتهای جمله، «دوباره منقول است»، آمده، «نقل است که» زاید به نظر می‌آید.

۳. در اصل موریانه زده و فقط «ل» باقی مانده است. اضافه از روی قرینه و قیاس است.

۴. یک کلمه را موریانه زده و فقط در آخر حرف «ت» باقی مانده است. اضافه از روی قیاس و قرینه است.





فرموده‌اند که از صحبت ما او را فایده نخواهد بود زیرا که او را از محارم چون طمغا^۱ و غیره منع خواهد نمود و او قبول این امور نخواهد کرد و او را ازین نقصان دینی خواهد بود و اگر قبول خواهد نمود نقصان دنیاوی، پس اولی آن باشد که ملاقات واقع نشود.

نقل است که ملک هراة در یکی [از] مجالس خود در محل طعام به جناب مولانا ناصرالدین محمد کوسویی گفته باشد که طعام مرا خدمت مولانا کلان زیارتگاهی به عوامل خود روا نمی‌دارد فکیف که تناول نماید. ازین سخن انکاری در خاطر جناب مولانا ناصرالدین محمد کوسویی آمده. چون شب به خانه خود می‌روند خود را در مهلکه عظیم می‌یابند که از آن جا امید حیات منقطع است. ناگاه شخصی به ایشان ندا می‌کند که تو را به مولانا کلان زیارتگاهی بخشیدند. در ساعت از خواب درآمده متوجه زیارتگاه می‌شوند. چون به خدمت ایشان در می‌آیند قبل از تکلم او، ایشان تلطف نموده می‌فرمایند که شما شفا بودید و ما بیمار، شما را به ما بخشیدند. خدمت مولانا ناصرالدین محمد روی نیاز بر آستان آن حمیده خصال می‌مالند و عذر انکار خود می‌نمایند.

نقل است که یکی از اعزّه اصحاب زیارتگاه ایشان را ضیافت نموده، چون لقمه گوشت [ص ۱۵۱۸] [در دهن]^۲ انداخته‌اند در ساعت بیرون انداخته‌اند. صاحب طعام ازین انفعال تمام یافته، سبب پرسید، فرموده‌اند که طعامی که در آن شبه باشد به گلولی عبدالله فرو نمی‌رود، فکیف حرام بوده باشد. چون معلوم می‌نماید شبان گوسفند غلط از شخصی آورده بوده که صاحب طعام را از آن وقوفی نبوده.

نقل است که وفات حضرت ایشان در شهر محرم سنه سبع و عشر و ثمانمائه [۸۱۷ق] بوده، به احضار صلوة جنازه ایشان جمعی از هراة و از هر [موضعی]^۳ آمده‌اند چون: حضرت قطب الاولیاء، برهان الاتقیاء، شیخ زین الملة والدین الخوافی و حضرت شیخ الاسلام و المسلمین شیخ بهاء الدین عمر و حضرت سیادت پناهی، مرتضوی انتسابی، امیر جلال الدین قاسم و حضرت استاد المحدثین در اول [کذا] احادیث سید المرسلین شیخ محمد جزری و غیرهم، اتفاق اقامت آن حضرت استاد المحدثین نموده‌اند. و قبر ایشان در دشت زیارتگاه هراة است.

[اولاد مولانا کلان]

نقل است که خدمت ایشان را ده فرزند بوده است «تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ»^۴. هر یک بی نظیر و

۱. در اصل: طعما، تصحیح قیاسی است. طمغا/تمغا مالیات راهداری و عوارضی که در راه‌ها و دروازه‌ها از کالاهای بازرگانی می‌گرفتند (فرهنگ فارسی عمید).

۲. در اصل موربانه زده، اضافه در پراختز از روی قیاس و قرینه است.

۳. یک کلمه را موربانه زده، اضافه از روی قیاس و قرینه است.

۴. بقره: ۱۹۶.





یگانه وقت بوده‌اند. ابنای موافق امام خلق دنیا و بنات مناسب عناصر اربعه، «فکلُّ أحد منهم فرید الدهر و کلُّ أحد منهن رابعة العصر» که اسامی هر یک و حالات ایشان مذکور خواهد شد. ان شاء الله تعالی.

اما [اول] حضرت مولانا فصیح الدین محمد، عالم بوده‌اند به علوم ظاهری و باطنی. تلقین از حضرت کهف الاولیاء شیخ محمد فراهی داشته‌اند و به حضرت شیخ بهاء الدین عمر در تفسیر مدارک^۱ شریک بوده‌اند و به غایت تقوی داشته‌اند. تا از ایشان چیزی نپرسیدی، تکلم نفرمودی و کشف قبور و اطلاع ما فی الصدور داشته‌اند. به کرامات جهت امتحان جمع مریدان چیزی در خاطر گذرانیده‌اند و ایشان اظهار آن نموده‌اند.

نقل است که یکی از حکام هراة را پسری در مجلس شور به حالت سُکر قضای اجل رسیده‌است. پیش کهف الاولیاء شیخ محمد شاه آمده الحاح تمام... (بقیه افتاده)

پیوست‌ها

(۱)

اوراد نماز بامداد حضرت مولانا کلان زیارتگاهی قدس سرّه

[ص ۱۱۰] «خداوندا به حضرت تو بازگشتم از هر بدی که بر من گذشته از دانسته و نادانسته» سه بار بگویند.

بعد از آن «اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً عبده و رسوله»، ایمان آوردم به خدای عزّ و جلّ و به فرشتگان وی و به کتاب‌های وی و پیغمبران وی و به روز قیامت و به زنده کردن بعد از مرگ و به آن که تقدیر نیکی و بدی همه از خداست عزّ و جلّ. قبول کردم دین مسلمانی را و آنچه در وی است. بیزارم از کفر و کافری و آنچه در وی است. راستگوی دانستم به دل محمد رسول الله را و جمله پیغمبران را علیهم الصلوة و السلام. اندر آنچه از خدای عزّ و جلّ آورده‌اند بگرویدم به دل، به آنچه گرویده‌است محمد رسول الله. بیزارم به دل به آنچه محمد رسول الله از آن بیزار است. سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم. عدد ما علم وَرَبِّهٖ مَا عَلِمَ وَمَلَأَ مَا عَلِمَ سبحان الله الدائم القایم سبحان الحی القیوم سبحان الله بحمده، سبحان الملک القدوس، رب الملائکة و الروح، سبحان العلی الاعلی سبحانه و تعالی اللهم انی اعوذ بک من ان اشرك بک و انا اعلم و استغفرک لما لا اعلم» سه بار بگویند.

نامه: بیسنغر، شماره سوم، ۱۴۰۶ خورشیدی

۱. یعنی تفسیر مدارک التنزیل و حقایق التأویل معروف به تفسیر نسفی تألیف ابوالبرکات عبدالله بن احمد بن محمود نسفی (د. ۷۱۰ق). که از دیدگاه فقه حنفی نگاشته شده و نزد احناف بسیار مقبول است.



«اعوذ بالله الذى لا اله الا هو الرحمن الرحيم من سلب الايمان ومن عذاب القبر ومن النار يا ارحم الراحمين رضيت بالله سبحانه وتعالى رباً وبالاسلام ديناً ومحمد صلى الله عليه وسلم نبياً ورسولاً» سه بار بگويد.

«اللهم لا مانع [ص ۱۱۱] لما اعطيت ولا معطى لما منعت ولا راد لما قضيت ولا ينفع الجدد منك الجدد اللهم صل على محمد وعلى آل محمد وبارك وسلم عليه» ده بار بگويد.

«وصل على جميع الانبياء والمرسلين وعلى ملائكة المقرّبين وعلى اهل طاعتك اجمعين استغفرالله، استغفرالله، استغفرالله، الذى لا اله الا هو الحى القيوم واتوب اليه سبحانه اللهم وبحمدك اشهد ان لا اله الا انت استغفرک واتوب اليک عملت سوء وظلمت نفسى فاغفرلى فانه لا يغفر الذنوب الا انت سبحانک انى كنت مى الظالمين».

(۲)

اوراد نماز حضرت مولانا زيارتگاہى قدس سره

[ص ۱۱۶] «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلى العظيم عدد ما علم ورتبة ما علم و ملائمة علم اعوذ بالله الذى لا اله الا هو الرحمن الرحيم من سلب الايمان و من عذاب القبر و من النار يا ارحم الراحمين استغفرالله، استغفرالله، استغفرالله، لا اله الا هو الحى القيوم واتوب اليه سبحانه اللهم وبحمدك اشهد ان لا اله الا انت استغفرک واتوب اليک علمت سوء وظلمت نفسى فاغفرلى فانه لا يغفر الذنوب الا انت سبحانک انى كنت من الظالمين».

نقلت من خط حضرت جدّى و استادى و من عليه اعتمادى. و انا العبد مير ميران بن امير عبدالله بن مولانا مير عفى عنهم.

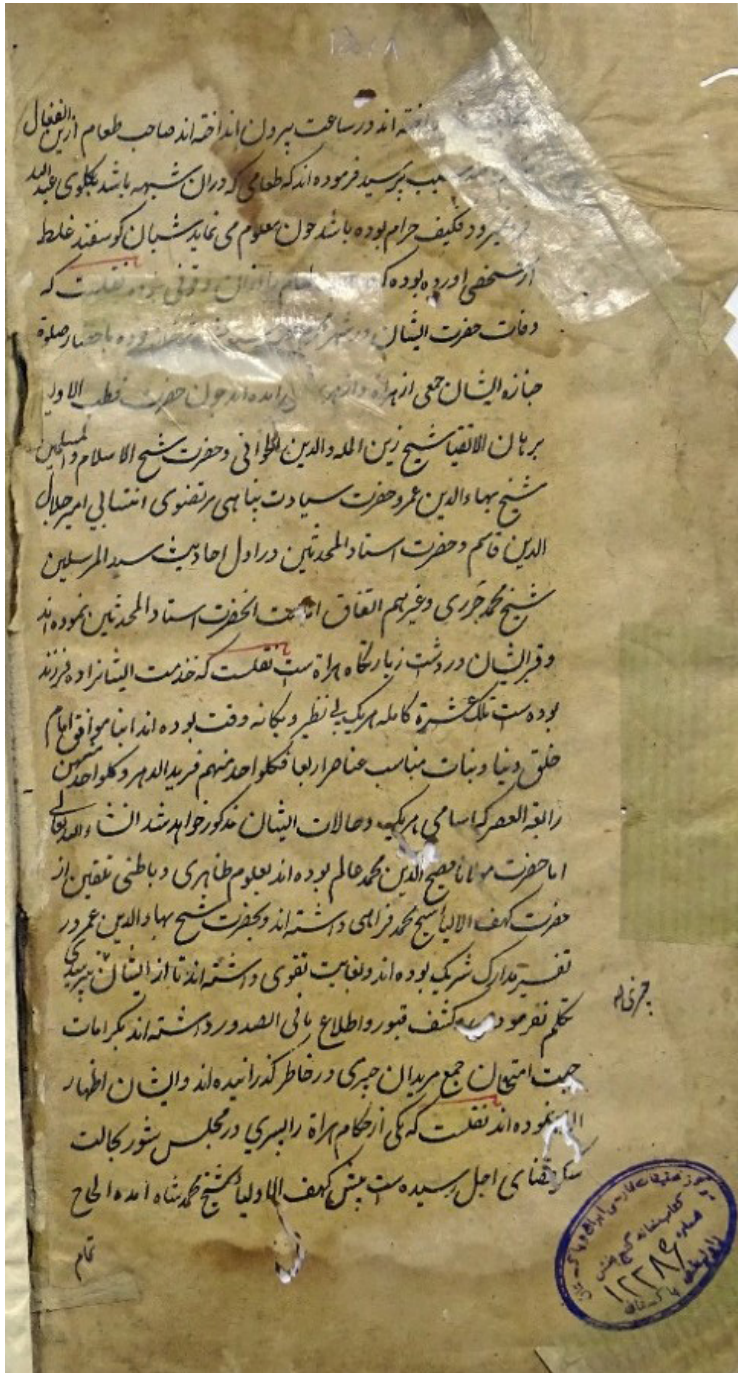




آبجته در سن بر محاسن و سینه وی مجکبه و از غایت ببری نمی توانست
 کردن ابراهیم با وی گفت که این سیر این جهت بر در جواب گفت که اگر جو
 سست خلیل پرسید که بگو چه دست گفت دولت سال ابراهیم در آن
 روز دولت سال بود که امیرت از حیات در دل وی افتاد و بیک ناکه چون
 شد و گویند که از سبب آن ابراهیم و داود و سلیمان علیهم السلام بمغایات
 وفات یافته اند روز قضاوت حضرت خواجه عبدالعزیز
 فرمودند که از آن زمان که نسیب و غارت امیر تیمور در زر اسنان واقع شده است
 حضرت مولانا محمد الدین گدگسنگری از بنا ناکه گوشت خوردانده جمع ^{اول}
 توفی رسول امد حلیه علیه السلام بوم الاثنین و در نهم بوم الاربعاء و توفی
 رضی الله عنه شسته ثلاث عشر من الهجرة و خلافت عمر رضی الله عنه عشر سنین
 و شسته شهر و اربعه ایام و خلافت عثمان رضی الله عنه خمس سنین الاثنته عشر
 و قتل ابو جیفه با ستم بر عذرا و شسته مائیه و مسین و هو این سبعین سنه
 و توفی ابو یوسف شسته اثنین و ثمانین و مائیه و توفی محمد بن الحسن شسته سبع
 و ثمانین و مائیه و توفی مالک شسته سبع و سبعین و مائیه و توفی ابوالمطیع شسته
 و تسعین و مائیه و توفی خلف حسین و مائین و توفی شادا فی اخره عشره
 و مائین و توفی نصیر شسته ثمان و ستین و مائین و ابو بکر بن ابی سوسه شسته
 ثمان و عشرین و ثمان مائیه و توفی فقیه ابو جعفر سجاری و حمل الی بلخ و در ن
 بخش عشرین زوی ابو یوسف شسته اثنین و ستین و ثمان مائیه اه آخر مطلقه صا
 در بیان مقامات حضرت مولانا کلان زیارتگاهی و اولاد و اصحاب و اولاد
 حمد و ثنای مرقد ابراهیم جلالت و علم و ناله ان مبدعی که قطره اب را در
 نبریت بنور رحمت در صدف آورده و معرفت ساحت و نفس خدیش سلطان

نامه: بایسنقر، شماره سوم، ۱۴۰۱ خورشیدی

تصویر ۱: ابتدای نسخه خطی مقامات مولانا کلان، کتاب خانه گنج بخش اسلام آباد، شماره ۱۲۲۸۶



نامه با بیست و شش، شماره ۱۴۰۲ خورشیدی
 کتابخانه مجلس شورای اسلامی
 ۱۳۳۹
 تاریخ ...

تصویر ۲: انتهای نسخه خطی مقامات مولانا کلان، کتابخانه گنج بخش اسلام آباد، شماره ۱۳۲۸۶



۱۱۶

علی بنی صلی الله علیه وسلم فی القعدة الاخری بس یوض فاذا فرغ من الصلوة علی النبی
 صلی الله علیه وسلم استغفر للمؤمنین والمؤمنات ثم یدعو بالرجوات التي لیسبها القرآن
 ثم یقول ربنا اتانی الذی بنا حسنة و فی الاخرة حسنة و فاعذاب النار **فصل**
در بیان کتابت کردن مصحف و فی اول کراهته واقعات الساطعی بکراهه ان
 یضرب المصحف و ینسب لعلهم یفقی لان یخیر المصحف و الواجب توفیره **و یخیر**
 المصحف اذا ما خلقه ان صار مجال للبقراء منه و یخاف ان یضرب یجعل فی خرقه ظاهر
 و یدفن لان المسلم اذا مات یدفن فکذا المصحف اذا صار ضلکا کان دفنه اولی من
 وضعه و مضایح ان یقع علیه النجاسة او نحو ذلك و لکن ینسب ان یجعله لداستغفاره
 لانه تمیسی و دفن یمنع الی اهله التراب علیه و ذلك نوع تحذیر و استخفاف للحکام
 و ان یقول و جعل توفقه مستغفرا حیث لا یصل التراب الیه فهو حسن الضم و قیل و یصلح
 بالما یتجه ینسب ما فیہ فهو حسن و قیل لو وضع فی موضع طاهر لا یصل الیه المحدثین و لا یصل
 الیه اخبارهم حسن الضم **و یقره** **اوراد نماز حضرت مولانا زید نجاشی قدس**
سره سبحان الله و اعظم له و لا اله الا الله و الله اکبر و لا حول و لا قوة الا بالله العلی
 العظیم عدد ما علم و زنه ما علم و علما ما علم اعوذ بالله الذی لا اله الا هو الرحمن الرحیم من سلب
 الایمان و من غدا بقره و من النار یا ارحم الراحمین استغفر الله استغفر الله استغفر
 الذی لا اله الا هو اعلی القیوم و اوب الیه سبحانک اللهم و بحمک اشهد ان لا اله الا
 انت استغفرک و اوب الیک علمت سرور و ظلمت نسیه فاغفر لی فانه لا یعرف الذی
 الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین **لقلت** من خط حضرت حبیبی **و استغفر**
 و من علیه اخیادی و انا العبد میر میران بن امیر محمد بن مولانا میر علی خنم **و من**
 سلم علی باره قبل سلاه عن یمنه فلا سهو محظ طم فین ادرك الامام فی
 القعدة الاولى و قام الامام قبل شروع مسجون **و استغفر** فانه یتشهد بهن تشهد

یخاف

الامام

نامہ با استغفار، شمارہ سوم، ۱۴۰۲ خورشیدی
 نامہ با استغفار، شمارہ سوم، ۱۴۰۲ خورشیدی



تصویر ۵: بقایای خانقاه ملا کلان زیارتگاهی در دشت یلان زیارتگاه هرات، ۲۰۲۲ م.



تصویر ۶: بقایای خانقاه ملا کلان زیارتگاهی در دشت یلان زیارتگاه هرات، ۲۰۲۲ م.

نامه: بایسنغر، شماره سوم، ۱۴۰۲ خورشیدی



تصویر ۷: بقایای خانقاه ملاکلان زیارتگاهی در دشت یلان زیارتگاه هرات، ۲۰۲۲ م.



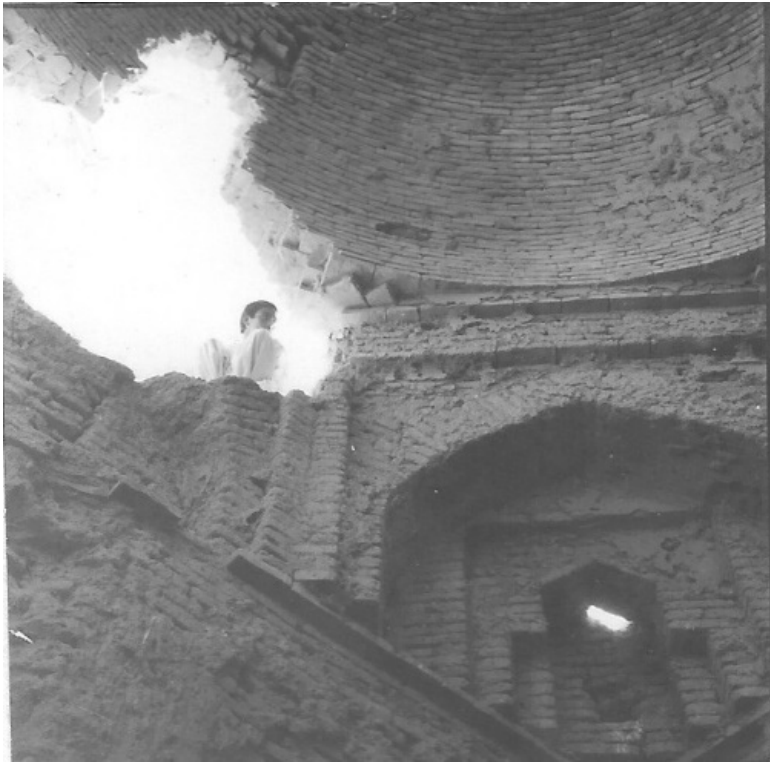
تصویر ۸: بقایای خانقاه ملاکلان زیارتگاهی در دشت یلان زیارتگاه هرات، ۲۰۲۲ م.



تصویر ۹: بقایای خانقاه ملاکلان زیارتگاهی در دشت یلان زیارتگاه هرات، ۲۰۲۲ م.



تصویر ۱۰: نمای جنوبی خانقاه جلال الدین محمود زاهد مرغابی، زیارتگاه هرات
عکس از یونسکو در ۱۳۵۷ ش. / ۱۹۷۸ م.



تصویر ۱۱: درون خانقاه جلال‌الدین محمود زاهد مرغابی، زیارتگاه هرات
عکس از یونسکو در ۱۳۵۷ ش. / ۱۹۷۸ م.



تصویر ۱۲: بقایای خانقاه جلال‌الدین محمود زاهد مرغابی، زیارتگاه هرات، در ۱۴۰۱ ش. / ۲۰۲۲ م.